



وزارت علوم تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته
اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان:

نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

استاد راهنما:

دکتر نورا... قیصری

اساتید مشاور:

دکتر بیوک علیزاده

دکتر منصور انصاری

کتابخانه مرکزی
شماره ثبت کتاب

۱۳۸۶ / ۱۱ / ۲۵

پژوهشگر:

مجتبی غفوری

شهریور ۱۳۸۶

۶۵۵۱۴

با سپاسگزاری از اساتید ارجمند

دکتر نورالله قیصری ، دکتر بیوک علیزاده و دکتر منصور انصاری

و کتابداران کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی آقایان

خسروی و مشایخی

| | |
|---------------------------|---|
| مقطع تحصیلی | کارشناسی ارشد |
| رشته تحصیلی | اندیشه سیاسی در اسلام |
| عنوان پایان نامه | نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی |
| نام و نام خانوادگی دانشجو | مجتبی غفوری |
| استاد راهنما | دکتر نورالله قیصری |
| اساتید مشاور | دکتر بیوک علیزاد و دکتر منصور انصاری |
| تاریخ شروع پایان نامه | تابستان ۱۳۸۴ |
| تاریخ اتمام پایان نامه | بهار ۱۳۸۶ |

چکیده:

پژوهش پیش روی برآن بوده تا نسبت بین اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی را بررسی کند به گونه ای که به پرسش نخستین پژوهش پاسخ داده شود که آیا بین اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام نسبت و رابطه ای هست یا خیر؟ اگر هست به چه نحوی است. آیا اخلاق زیر بنای سیاست یا جدای از آن است. برای رسیدن به پاسخ این پرسش ابتدا اخلاق و سیاست مورد تعریف قرار گرفت و در ادامه سه رهیافت عمده در رابطه با انواع نسبت بین اخلاق و سیاست مورد بررسی قرار گرفت که عبارت بودند از: ۱- رهیافت جدایی اخلاق از سیاست ۲- رهیافت دوگانگی اخلاقی ۳- رهیافت پیوستگی و یگانگی اخلاق و سیاست.

با تامل در آثار حضرت امام به تعریف اخلاق و سیاست و بررسی اندیشه سیاسی ایشان پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که بین اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام رابطای مستقیم برقرار است. زیرا از نظر امام سیاست میتواند و باید اخلاقی باشد. چراکه سیاست چیزی نیست جز امتداد اخلاق در عرصه های گسترده تر جامعه و تحقق آرمان ها و اهداف دینی. بنابراین در اندیشه سیاسی امام خمینی دو دانش و دو حوزه مستقل از هم وجود ندارد، سیاست امتداد اخلاق و اخلاق زیرساز سیاست است. حضرت امام با اصالت بخشیدن به اخلاق و با اعتقاد به آموزه یگانگی اخلاق و سیاست کوشید با رایه نظریه ولایت فقیه تصویرری از سیاست اخلاقی مطلوب خود رایه کند. اندیشه سیاسی امام خمینی که ولایت فقیه تبلور آن است به نوعی وصلت بین اخلاق و سیاست می باشد. از نظر ایشان حاکم یا ولی فقیه باید بکوشد تا همواره پایبند قانون الهی و اصول اخلاقی باشد و از حدود آن تجاوز نکند. چراکه ولایت فقیه حاکمیت قانون الهی است. از نمودهای دیگر پیوستگی اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی ایشان، علم به قانون و عدالت به عنوان فضایل و ویژگی های شخصی ولی فقیه است و باعث مهار درونی قدرت شده و حاکم را از ظلم و ستم باز می دارد.

فهرست اجمالی مطالب

فصل اول : کلیات پژوهش

فصل دوم:..... تعریف اخلاق و سیاست و بررسی نسبت های بین این دو

فصل سوم:..... اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی(ره)

فصل چهارم:..... نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

| | |
|-----------------------|----|
| مقدمه | ۷ |
| طرح مسأله | ۹ |
| ادبیات و پیشینه پژوهش | ۱۱ |
| هدف پژوهش | ۱۱ |
| سؤالات پژوهش | ۱۲ |
| مفروضات پژوهش | ۱۳ |
| تعریف مفاهیم | ۱۳ |
| روش پژوهش | ۱۵ |

فصل دوم: تعریف اخلاق و سیاست و بررسی نسبت‌های بین این دو

بخش اول: اخلاق

| | |
|--|----|
| اهمیت و معنای لغوی و اصطلاحی اخلاق | ۱۷ |
| جایگاه اخلاق در تقسیم‌بندی علوم | ۲۲ |
| دانش‌های ناظر به اخلاق | ۲۵ |
| ۱. اخلاق هنجاری، دستوری (Normative ethics) یا علم اخلاق: | ۲۵ |
| علم اخلاق اسلامی | ۲۷ |
| ۲- اخلاق توصیفی (descriptive ethics) | ۲۹ |
| ۳- فلسفه اخلاق (moral philosophy) | ۳۰ |

- اصول و معیارهای مسائل اخلاقی: ۳۳
- اخلاق اسلامی: ۳۶
- ملاک فعل اخلاقی در اسلام ۳۷
- غایت نظام اخلاقی در اسلام ۳۸
- اخلاق در فرهنگ اسلامی ۴۰

بخش دوم : سیاست

- معنای لغوی و اهمیت سیاست: ۴۵
- تعریف اصطلاحی سیاست: ۴۷
- برخی تعاریف سیاست: ۵۰

بخش سوم : انواع نسبت بین اخلاق و سیاست

- مقدمه: ۶۰
۱. رهیافت جدایی اخلاق از سیاست ۶۱
- ماکیاولی ۶۲
- نقد و بررسی ۶۷
- ۲- رهیافت دوگانگی اخلاقی: ۶۹
- نقد و بررسی ۷۲
- ۳- رهیافت پیوستگی و یگانگی اخلاق و سیاست: ۷۳
- افلاطون: ۷۵
- ارسطو: ۷۸
- فارابی ۸۴

- غزالی:..... ۸۶
- خواجه نصیرالدین طوسی..... ۸۹
- بررسی و ارزیابی رهیافت‌ها:..... ۹۳

فصل سوم: اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی(ره)

بخش اول: زندگی، اندیشه و مبانی فکری امام خمینی(ره)

- مقدمه:..... ۹۶
- امام خمینی زندگی و اندیشه..... ۹۷
- کتاب‌ها و آثار امام:..... ۱۰۱
- تألیفات عرفانی، فلسفی و اخلاقی:..... ۱۰۲
- آثار اصولی و فقهی:..... ۱۰۶
- متون سیاسی و اجتماعی:..... ۱۰۸
- مبانی فکری:..... ۱۰۹
- هستی و خدا..... ۱۱۰
- انسان‌شناسی..... ۱۱۲
- تربیت‌پذیری انسان..... ۱۱۳
- عقلانیت..... ۱۱۴
- اراده و اختیار:..... ۱۱۵

بخش دوم: اخلاق

- مقدمه..... ۱۱۸
- تعریف اخلاق..... ۱۱۹

- مکتب اخلاقی امام خمینی: ۱۲۰
- نومراتب بودن اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی ۱۲۴
- خودسازی شرط اخلاق اجتماعی ۱۲۷
- فضایل اخلاقی ۱۲۸
۱. تهذیب نفس (جهاد اکبر) ۱۲۸
- ۲- اخلاص ۱۳۰
- ۳- تقوی: ۱۳۱
- ۴- رفق و مدارا ۱۳۳
۵. خدمت به خلق خدا و رعایت حقوق مردم ۱۳۵
- ۶- امر به معروف و نهی از منکر: ۱۳۶
- ۷- حب عدل و بغض ظلم ۱۳۸
- ۸- ساده زیستی و نفی تجمل‌گرایی: ۱۴۰
- ۹- علم ۱۴۲
- رذایل اخلاقی ۱۴۴
۱. عجب و خودخواهی یا قیام برای نفس ۱۴۴
- ۲- حب دنیا: ۱۴۶
۳. دروغ ۱۴۷
۴. نفاق و دورویی ۱۴۸
- ۵- قدرت طلبی ۱۴۹
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۵۱

بخش سوم: سیاست در اندیشه امام خمینی(ره)

- مقدمه: ۱۵۲
- سیاست: ۱۵۳
- ۱- سیاست شیطانی: ۱۵۴
- ۲- سیاست حیوانی یا صحیح: ۱۵۶
- ۳- سیاست اسلامی: ۱۵۷
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ۱۶۱

فصل چهارم: نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی**بررسی مبانی و پایه‌های اخلاقی اندیشه سیاسی امام خمینی**

- مقدمه ۱۶۴
- در اندیشه سیاسی امام خمینی حکومت وسیله است نه هدف: ۱۶۵
- ولایت فقیه؛ حاکمیت قانون الهی: ۱۶۹
- عدالت مبنای ولایت فقیه و پیشگیری از دیکتاتوری: ۱۷۳
- شرایط ولی فقیه (مهار درونی قدرت): ۱۷۵
- مقدمه ۱۷۵
۱. علم به قانون: ۱۷۷
- ۲- عدالت ۱۸۰
- عزل ولی فقیه: ۱۸۵
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۸۷
- فهرست منابع ۱۹۰

فصل

اول

کلیات

مقدمه

انسان با عقل فطری خویش که نعمتی خداداد است، توانسته است خوب را از بد و شایست را از ناشایست تمیز دهد. انسان تا آن جا که حافظه بشر یاد می دهد، همواره خود را ملزم و متعهد به رعایت قواعد و دستورالعمل‌هایی می‌داند است. بعضی از این قواعد منشاء الهی و فوق بشری داشته مانند ادیان الهی و برخی دیگر را قانون‌گذاران و فحول مردم تقریر و وضع کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که انسان موجودی اخلاقی است و رعایت قواعد آن به فرد و گروه خاصی تعلق ندارد، بلکه همه به نحوی تکلیف اخلاقی را احساس می‌کنند و آن را در زندگی اجتماعی و تعامل با دیگران به کار می‌برند.

امروزه حتی بدترین و فاسدترین سیاستمداران و حاکمان ادعای خدمت به کشور و مردم را دارند که این خدمت به مردم و تأمین امنیت و آسایش آنان را عملی خیر و اخلاقی می‌دانند. لذا پروای اخلاق همواره با تفکر سیاسی همراه و ملازم بوده است. اخلاق در هر اندیشه سیاسی یا فلسفه سیاسی ملاک و معیار باید‌ها و نبایدهای آن را تعیین می‌کند و انسان اجتماعی را در مسیر زندگی غایتمند خود به سمت کمال، فضیلت و سعادت هدایت می‌کند. و با ایجاد روحیه متعالی و ارزشمند در عرصه سیاست، از ظهور چالش‌ها و تعارضات و درگیری‌ها جلوگیری کرده و با انتشار ارزش‌های انسانی در میان اعضای جامعه تلاش می‌کند تا وفاق و هم بستگی را افزایش دهد.

پیشگامان اندیشه سیاسی در یونان قدیم و نیز اندیشمندان و فلاسفه اسلامی، سیاست را بر پایه اخلاق بنا کرده‌اند. سقراط حکیم معتقد بود که دانش سیاسی باید مقدم بر هر چیز، مردم را با وظایف اخلاقی خود آشنا سازد. افلاطون نیز در

جمهوریت، حکومت‌ها را با معیار اخلاقی محک می‌زند. اساساً فیلسوفان یونان تا زمان رواقیان، سیاست را از زاویه مذهب می‌نگریستند و به همین لحاظ بحث در مورد مسائل اجتماعی مستلزم ورود به بحث اخلاق در جامعه بود. ارسطو در کتاب سیاست، سیاست را وسیله‌ای برای نیل به سعادت و زندگی خوب می‌داند و در رساله اخلاق نیکو ماخوس، اخلاق را به عنوان مدخلی بر سیاست قرار می‌دهد؛ که پیوند میان این دو مفهوم، زیربنای تفکر فلسفی او را تشکیل می‌دهد. مجموع آراء و نظریات برجای مانده از گذشته درباره اخلاق و سیاست زمینه پیدایش مکتب‌ها، نحله‌ها و رهیافت‌های فکری متفاوتی را در طول تاریخ فراهم آورده است.

پژوهش حاضر بر آن است تا رابطه اخلاق و سیاست را در اندیشه سیاسی امام خمینی به عنوان متفکر بزرگ جهان اسلام بررسی کند این پژوهش شامل یک مقدمه و چهار فصل می‌باشد.

فصل اول به کلیات بحث می‌پردازد که شامل طرح مسأله، ادبیات و پیشینه پژوهش، هدف پژوهش؛ سئوالات پژوهش، مفروضات پژوهش و تعریف مفاهیم پژوهش می‌باشد، که در طول پژوهش سعی می‌شود به سئوالات مطرح شده در این فصل پاسخ داده شود.

فصل دوم دارای سه بخش می‌باشد. در بخش اول؛ معنای لغوی و اصطلاحی و تعاریف اخلاق، جایگاه اخلاق در تقسیم‌بندی علوم، دانش‌های ناظر به اخلاق، اصول و معیارهای مسائل اخلاقی، اخلاق اسلامی، ملاک فعل اخلاقی در اسلام، غایت نظام اخلاقی در اسلام؛ در بخش دوم؛ معنای لغوی و اصطلاحی و تعاریف سیاست. و در بخش سوم؛ رهیافت‌های موجود در رابطه با نسبت اخلاق و

سیاست از جمله: رهیافت جدائی اخلاق و سیاست، رهیافت دوگانگی اخلاقی و رهیافت یگانگی و پیوستگی اخلاق و سیاست بررسی می‌شود.

مطالب مطرح شده در فصل سوم نیز شامل سه بخش می‌باشد، که در بخش اول زندگی و اندیشه حضرت امام، کتاب‌ها و آثار امام و مبانی فکری ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش دوم در برگیرنده مباحثی چون: تعریف اخلاق، مکتب اخلاقی امام خمینی، اخلاق فردی و اجتماعی و فضایل و رذایل اخلاقی از دیدگاه امام می‌باشد. در بخش سوم به تعریف سیاست و نیز انواع آن از نظر امام می‌پردازیم. فصل چهارم که مهمترین فصل این پژوهش می‌باشد، مبانی و پایه‌های اخلاقی اندیشه سیاسی امام خمینی و در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نسبت بین اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طرح مسأله

آنچه که تاریخ به ما نشان می‌دهد معمولاً حاکمان برای ارضاء امیال و رسیدن به منافع خویش از قدرت سیاسی سوء استفاده کرده و آن را در جهتی مغایر با مصالح جامعه به کار برده‌اند. این امر مختص به گذشته نیست. داستان جدایی اخلاق و فضیلت از سیاست در دوران مدرن که عرصه سیطره علم و تکنولوژی و خرد مدرن بر جامعه و انسان است غم‌انگیزتر است به طوری که زوال اخلاقیات و ارزش‌ها در جامعه تسریع شده که اغلب اندیشمندان غربی درباره افول آن در جوامع هشدار می‌دهند.

حکما و اندیشمندان در گذشته همواره سیاست را بر پایه اخلاق مورد تبیین قرار داده و بر اهمیت آن تاکید فراوان کرده‌اند. نگاهی به آثار حکمای بزرگی چون

افلاطون، ارسطو، فارابی و ... نشان‌دهنده اهمیت اخلاق در عرصه سیاست می‌باشد. ولی متأسفانه واقعیت امر چیز دیگری بوده و با نظر و رأی آنان چندان مطابقت نکرده است، می‌توان گفت که در واقع تاریخ سیاست و حکومت به نوعی تاریخ دورشدن سیاست از اصول و معیارهای اخلاقی بوده که این امر بر اندیشه سیاسی بخصوص بعد از ماکیاولی تأثیرگذار بود که به تبع آن نظریات مختلفی در رابطه با نیست بین این دو عرصه بوجود آمد به نحوی که برخی رأی به جدائی اخلاق از سیاست دادند. بنابراین می‌توان گفت که تاریخ پیدایش دولت‌های جدید تاریخ تحول اندیشه سیاسی و سیر تحول و تطور اخلاق در زندگی اجتماعی انسان می‌باشد.

در دوران اوج بحران اخلاقی غرب، امام خمینی در راستای به هم پیوستن و یگانگی اخلاق و سیاست چه در عرصه نظر و چه در عرصه عمل دست به کوشش‌های فراوانی زد. ایشان با طرح نظریه ولایت فقیه (حکومت اسلامی) بر آن شد تا سیاست را بر پایه‌ها و معیارهای اخلاقی بنا کند که از این حیث می‌توان امام را احیاء‌کننده فلسفه سیاسی اسلام و پایه‌گذار سیاست بر پایه‌های اخلاق در دوران جدید دانست. بنابراین نسبت بین اخلاق به عنوان مجموعه‌ای از قواعد هنجاری و سیاست به عنوان اداره و تدبیر امور عمومی در اندیشه سیاسی امام خمینی به عنوان فیلسوف و اندیشمند بزرگ اسلامی مسأله‌ای است که از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و باید بیش‌تر مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. چرا که نظام جمهوری اسلامی ایران که تبلور عینی یگانگی اخلاق و سیاست است بر بنیان اندیشه سیاسی امام بنا گردیده است.

ادبیات و پیشینه پژوهش

در رابطه با نسبت بین اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی تألیفات و تحقیقات اندک است که همین آثار اندک نیز به بررسی اخلاق و سیاست در اندیشه امام پرداخته و از اندیشه سیاسی ایشان غفلت کرده‌اند. عدم تعریف مفاهیم اصلی مثل: اخلاق و سیاست در اندیشه امام، نپرداختن به مبانی فکری ایشان، عدم توجه به اندیشه سیاسی امام و تئوری ولایت فقیه و ... از کاستی‌ها و نواقص این آثار می‌باشد.

امام، اخلاق، سیاست تنها کتاب در این زمینه است که توسط آقای سید حسن اسلامی تألیف گشته. همچنین می‌توان از مقالاتی با عنوان: پیوند اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی از سید حسن بنایی، اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی از آیت قنبری و چند مقاله دیگر که در این زمینه نگاشته شده است نام برد.

در تحقیق حاضر سعی بر آن شده تا کاستی‌ها و نواقص تحقیقات پیشین تکرار نشود. بر همین اساس ابتدا به تعریف مفاهیم اصلی اخلاق و سیاست پرداخته و سپس اهمیت و جایگاه آن در اندیشه امام مورد بررسی قرار گرفته است. تفاوت عمده تحقیق حاضر با تحقیقات قبل در تأکید آن بر اندیشه سیاسی امام خمینی و بررسی نسبت اخلاق و سیاست در تئوری ولایت فقیه امام می‌باشد.

هدف پژوهش

حقیقت و چیستی اخلاق و سیاست و رابطه این دو از دیرباز در بین اندیشمندان مطرح بوده و علت اهمیت آن نیز به دلیل نتایج عملی گسترده‌ای که دارد می‌باشد چرا که هرگونه فعل و عمل سیاسی برآیند نظام اخلاقی می‌باشد که

این روابط سیاسی بر آن بنا گشته است. با زوال و انحطاط اخلاقی جوامع مدرن و دورشدن و جدایی اخلاق و فضایل اخلاقی از سیاست، اندیشه سیاست اخلاقی و رهیافت یگانگی و پیوستگی اخلاق و سیاست که در پی انسان‌سازی و فضیلت‌مند کردن حکومت و جامعه است دوباره اهمیت خویش را باز یافته و فلاسفه و اندیشمندان را به چاره‌جویی واداشته است. اندیشه سیاسی امام خمینی که نمونه عالی از پیوستگی و یگانگی اخلاق و سیاست است بر صدر نشسته و نسبت بین دو مقوله اخلاق و سیاست در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشته که کشف نسبت بین این دو هدف این پژوهش را نیز تشکیل می‌دهد.

سؤالات پژوهش

با توجه به مطالب پیش گفته رساله حاضر درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است.

سؤال اصلی: آیا نسبتی میان اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) وجود دارد؟

سؤالات فرعی:

۱. چه نسبت‌هایی میان اخلاق و سیاست وجود دارد؟
۲. سیاست چیست؟ و ابعاد و مؤلفه‌های آن کدام است؟
۳. سیاست از نظر امام خمینی به چه معنی است؟ و مؤلفه‌ها و انواع آن کدام است؟
۴. اخلاق چیست؟ و ابعاد و مؤلفه‌های آن کدام است؟

۵. اخلاق از نظر امام خمینی به چه معنی است؟ و مبانی، اصول، ابعاد و مؤلفه‌های آن کدام است؟

مفروضات پژوهش

در پاسخ به سؤالات فوق فرضیه‌های ذیل جهت مطالعه و تحقیق ارائه می‌گردد.

پیش‌فرض پژوهش: میان اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) رابطه‌ای مستقیم برقرار است.

فرضیه اصلی: در اندیشه سیاسی امام خمینی سیاست مبتنی بر نظامی از اخلاق است که این نظام تعیین‌کننده ماهیت قدرت، ویژگی‌های حاکم، الگوی رفتار و روابط سیاسی میان حکومت و مردم می‌باشد.

فرضیه رقیب: میان اخلاق و سیاست هیچ ارتباطی وجود ندارد چرا که این دو مربوط به دو حوزه متمایز هستند. اخلاق امری است هنجاری که در پی حقیقت است اما سیاست امری است واقعی و دنیوی که در پی کسب مصلحت است.

تعریف مفاهیم

اخلاق: از نظر واژه‌شناسی، واژه اخلاق جمع خلق است به معنای صفات درونی فرد که در او به صورت ملکه در آمده باشد. از نظر اصطلاحی اخلاق مسائل و دستورهایی است هنجاری درباره چگونه بودن انسان که حدود و نحوه کار او را مشخص می‌کند. به تعبیری دیگر اخلاق همان حکمت عملی است که عبارت است از علم به این که افعال بشر (افعال اختیاری او) چگونه و به چه منوال

خوب است و باید باشد و به چه منوال بد است و نباشد باشد. طبق نظر فلاسفه اسلامی اخلاق یعنی حکومت عقل و اراده بر خواهش‌ها و تمایلات انسانی. یعنی آن چیزهایی که وجدان برای آن ارزش قائل است.

در زبان انگلیسی دو واژه است که معادل واژه اخلاق به شمار می‌رود. واژه نخست Ethic است به معنی اخلاقیات که به ارزش‌های خاص جامعه نظر دارد. و واژه moral به معنی صفات و ملکات راسخ در نفس که منشاء کنشی انسان است و به رفتار فردی اشارت دارد. امروزه اغلب واژه اخلاق را معادل Ethics می‌دانند.

سیاست: واژه سیاست به لحاظ لغوی در زبان‌های عربی و فارسی دارای معانی متعددی چون، حکم راندن، اداره امور، تدبیرکردن، داوری، حراست و نگهبانی و ... می‌باشد. در زبان لاتین واژه‌های Piolity, Policy, Politics که از ریشه یونانی Polis گرفته شده است، معمولاً به معانی تدبیرورزی، سیاست مدن، طرز حکومت، حسن تدبیر، روش کار، حکم و قدرت، استقرار نظم و امنیت آمده است. به طور کلی می‌توان گفت که سیاست یعنی: اداره و تدبیر امور عمومی و اقتصادی و برقراری و تأمین نظم و امنیت در جامعه و کشور برای هدایت آن به سوی تعالی و سعادت.

اندیشه سیاسی امام خمینی: منظور از اندیشه سیاسی امام خمینی تئوری ولایت فقیه (حکومت اسلامی) است که به صورت مجموعه‌ای از آراء و عقاید از سوی ایشان به عنوان حکیم، اسلام‌شناس، متکلم، متفکر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ارائه گردیده و در آثار و تألیفات ایشان بخصوص کتاب ولایت فقیه (حکومت اسلامی) و شئون و اختیارات ولی فقیه آمده است.

روش پژوهش

روش پژوهش در تحقیق حاضر، روشی توصیفی و تحلیلی می‌باشد. و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و استناد به کتب، مقاله‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها درباره موضوع پژوهش است.